

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مقاله:

بازسازی مساجد در سیره مهدوی عج

با نگاهی تطبیقی به سنت نبوی ص

کاظم دلیری

پذیرفته شده در:

کنگره امام مهدی عج و آینده جهان

دی و بهمن ماه ۱۳۹۱

چکیده

از پرسش‌های مهم در باب مهدویت این است که حکومت آخرین مصلح جهان حضرت مهدی عجل بر چه اساسی بنا خواهد شد و مبنای ایشان در عمل و مستند ایشان در تصمیم‌گیری‌ها چه خواهد بود؟ پاسخ اجمالی این پرسش آن است که عصر ظهور، عصر بازگشت به کتاب و سنت است و این دو منبع، اساسنامه حکومت مهدوی هستند و سکه رأی و قیاس و اجماع در آن دوران خریداری ندارد. این یک زاویه عام بحث است که می‌توان با جستجو در روایات، ادله و شواهد متعددی برای آن یافت که در این نوشتار به ذکر دو نمونه از آن‌ها بسنده کرده‌ایم. از سوی دیگر این بحث را می‌توان از زاویه خاص نیز مطرح کرد؛ یعنی با بررسی سیره مهدوی و بیان انطباق آن بر سنت نبوی به شکل خاص و با بیان مصادیق اصلاحات آن حضرت این بحث را اثبات و تبیین کرد.

در این نوشتار پس از بیان اجمالی و کلی انطباق سیره مهدوی (عج) بر سنت نبوی (ص)، با انتخاب یکی از مصادیق اصلاحات امام مهدی عجل در عصر ظهور، نسبت آن را با سنت پیامبر اکرم ص سنجدیده‌ایم. مصداق فوق، بازسازی مساجد به عنوان مهم‌ترین پایگاه عبادی و تبلیغی اسلام است. در این راستا ابتدا اصلاحات آن حضرت را نسبت به مساجد خاص همچون مسجد الحرام و مسجد النبی ص و مسجد کوفه و سپس نسبت به عموم مساجد بیان کرده‌ایم و با آوردن شواهد متعدد اثبات کرده‌ایم که سیره آن حضرت در این باب بر سنت پیامبر ص مطابقت دارد. و نتیجه گرفته‌ایم که سیره امام مهدی عجل همچون جدش رسول خدا ص بر ساده‌سازی مساجد و زدودن پیرایه‌های زائد از آن و یکسان‌سازی فضای درون مساجد است. افزون بر آن، امام مهدی عجل مساجد خاص همچون مسجد الحرام و مسجد النبی ص و مسجد کوفه را به همان اساس نخستینش بازمی‌گرداند.

چنین مباحثی فواید متعددی در بر دارد؛ مثلاً چهره‌ای واقع‌گرایانه از موعود آخر الزمان در اذهان مسلمانان ترسیم می‌کند و پرده‌های پندار را از دل و اندیشه آنان برمی‌دارد. این مباحث جنبه فرامذهبی دارد و طرح آن در فضاهای غیر شیعی (دیگر مذاهب اسلامی) نیز ممکن است، از این رو می‌تواند گامی مفید در جهت وحدت و تقریب مذاهب اسلامی و نیز گامی مؤثر در جهت گسترش فرهنگ مهدویت باشد. از دیگر فواید این بحث آن است که نشان می‌دهد امروزه همه جوامع اسلامی کم‌وبیش از سنت نبوی در ساخت مساجد فاصله گرفته‌اند و مسیر میانه و صواب را نمی‌پیمایند، و باید به آن بازگردند. گفتنی است که گردآوری اطلاعات در این نوشتار به روش کتابخانه‌ای بوده و در کنار آن به تحلیل و بررسی پرداخته‌ایم.

درآمد

یک پرسش کلیدی در باب مهدویت این است که آخرین مصلح عالم حضرت مهدی عج حکومت خود را بر چه اساسی بنا خواهد کرد و مبنایش در عمل و مستندش در تصمیم‌گیری‌ها چه خواهد بود؟ پاسخ اجمالی این پرسش آن است که عصر ظهور، عصر بازگشت به کتاب و سنت است و این دو منبع، اساسنامه حکومت مهدوی هستند و سکه عمل به رأی یا قیاس (شخصی) یا اجماع (ابناء نوع بشر) در آن دوران از ارزش می‌افتد. این یک زاویه عام و کلی از بحث است که می‌توان با جستجو در روایات ادله و شواهد متعددی برای آن یافت. سپس می‌توان از زاویه خاص به این بحث نگریست؛ یعنی با تتبع در سیره مهدوی و بیان انطباق آن بر سنت نبوی به شکل خاص و با بیان مصادیق اصلاحات آن امام این بحث را اثبات و تبیین کرد. در این نوشتار بر آنیم تا پس از بیان اجمالی و کلی انطباق سیره امام مهدی عج بر سنت نبوی، به اثبات و تبیین این مطلب در مصداق خاص یعنی «بازسازی مساجد» پردازیم.

این مبحث فواید متعددی در بر دارد؛ مثلاً چهره‌ای واقع‌گرایانه از موعود آخر الزمان در اذهان مسلمانان ترسیم می‌کند و پرده‌های پندار را از دل و اندیشه آنان کنار می‌زند. همچنین این مباحث جنبه فرامذهبی دارد و طرح آن در فضاهای غیر شیعی (دیگر مذاهب اسلامی) نیز ممکن است از این رو می‌تواند گامی مفید در جهت وحدت اسلامی و نزدیک‌شدن مذاهب دیگر به مذهب تشیع و نیز گامی در جهت گسترش فرهنگ مهدوی نیز باشد. فایده دیگر این بحث آن است که نشان می‌دهد امروزه جوامع اسلامی از سنت نبوی در بنای مساجد فاصله گرفته‌اند و بسیاری از سنت‌های لازم در این باب را رعایت نمی‌کنند.

واژگان کلیدی

کتاب: به معنای قرآن است که چون در کنار «سنت» به کار می‌رود، بیشتر ناظر به بخشی از قرآن - و نه همه آن - یعنی بخش تشریعات و احکام قرآن است.

سنت: مراد از سنت، احکام و دستوراتی است که پیامبر اکرم ص آن را در دین تشریح کرده است. باید دقت شود که دو لفظ «سنت» و «حدیث» با هم خلط نشوند؛ زیرا سنت اخص از حدیث است.

سیره: به معنای رفتار یا به عبارت بهتر سبک رفتار است که معنای استمرار نیز در آن نهفته است. دو واژه سیره و سنت در لغت بسیار به هم نزدیک‌اند ولی در عرف خاص و اصطلاح متشرعه، سنت معنایی خاص یافته که سبب تمایزهایی میان آنها شده است.

بازگشت به کتاب خدا

چنان‌که گفتیم حکومت مهدوی بر پایه عمل به کتاب خدا و سنت پیامبر ص بنا خواهد شد. پس هدف از حکومت مهدوی در درجه نخست، عمل به کتاب خداست. کتاب خدا اساس نامه و قانون اساسی حکومت مهدوی است؛ امام باقر ع در ضمن حدیثی فرمود: «إِنَّ الدُّنْيَا لَا تَذْهَبُ حَتَّى يَبْعَثَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ رَجُلًا مِّنَّا أَهْلَ الْبَيْتِ يَعْمَلُ بِكِتَابِ اللَّهِ لَا يَرَى فِيكُمْ مُنْكَرًا إِلَّا أَنْكَرَهُ»^۱. انکار منکر در حقیقت همان نهی از منکر است که به گفته امیر مؤمنان ع گاه با قلب است و گاه با زبان و گاه با دست^۲ و در این حدیث هر سه قسم آن قصد شده است. همچنان‌که می‌دانیم استثنا در سیاق نفی دلالت بر عموم می‌کند؛ پس جمله «لَا يَرَى فِيكُمْ مُنْكَرًا إِلَّا أَنْكَرَهُ» یعنی امام زمان عج از همه منکرات نهی می‌کند و نه فقط از بخشی از آنها، از این رو بزرگ‌ترین نهی از منکر در عصر ظهور رخ می‌نماید؛ زیرا دیگر در آن زمان ملاحظاتی همچون تقیه برداشته می‌شود و بنای امام بر نهی از همه منکرات و اجرای همه احکام خداست. مبنای تشخیص منکر نیز کتاب خداست که سیاق کلام و پیوستگی اش بر آن دلالت دارد و مفاد کلام آن است که امام زمان عج با استناد به کتاب خدا با هر منکری مبارزه می‌کند. این روایت نمونه‌ای از روایات متعدد است که بازگشت به کتاب خدا را در سیره مهدی عج بیان می‌کند.

بازگشت به سنت

حکومت مهدوی پس از کتاب خدا بر پایه سنت و سیره رسول خدا ص بنا شده است. آن حضرت در دوران طلایی ظهور زنگار بدعت‌ها را از چهره دین می‌زداید و با گفتار و کردارش همگان را به سنت رسول خدا ص باز می‌گرداند؛ در اینجا دو نمونه از شواهد کلی این مطلب را ذکر می‌کنیم. محمد بن مسلم می‌گوید:

سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عَ عَنِ الْقَائِمِ عَجَّلَ اللَّهُ فَرَجَهُ إِذَا قَامَ بِأَيِّ سِيرَةٍ يَسِيرُ فِي النَّاسِ؟ فَقَالَ: بِسِيرَةِ مَا سَارَ بِهِ رَسُولُ اللَّهِ ص حَتَّى يُظْهَرَ الْإِسْلَامَ. قُلْتُ: وَ مَا كَانَتْ سِيرَةُ رَسُولِ اللَّهِ ص؟ قَالَ أَبْطَلَ مَا كَانَ فِي الْجَاهِلِيَّةِ وَ اسْتَقْبَلَ النَّاسَ بِالْعَدْلِ وَ كَذَلِكَ الْقَائِمُ ع إِذَا قَامَ يُبْطِلُ مَا كَانَ فِي الْهُدْنَةِ مِمَّا كَانَ فِي أَيْدِي النَّاسِ وَ يَسْتَقْبِلُ بِهِمُ الْعَدْلَ.^۳

۱. الکافی، ج ۸، ۳۹۶، ح ۵۹۷.

۲. برای مثال رک: تهذیب الأحکام، ج ۶ ص ۱۸۱، باب الأمر بالمعروف و النهی عن المنکر، ح ۲۳.

۳. تهذیب الأحکام، ج ۶، ۱۵۴، باب سیرة الإمام، ح ۱.

یستقبل بهم العدل؛ یعنی عدل را برای آنان آغاز می‌کند. مفضل بن عمر جعفی نیز می‌گوید: از امام صادق ع شنیدم که می‌گفت:

إِذَا أَدَانَ اللَّهُ عَزَّ اسْمُهُ لِلْقَائِمِ فِي الْحُرُوجِ صَعِدَ الْمِنْبَرَ فَدَعَا النَّاسَ إِلَى نَفْسِهِ وَ نَاشَدَهُمْ بِاللَّهِ وَ دَعَاهُمْ إِلَى حَقِّهِ وَ أَنْ يَسِيرَ فِيهِمْ بِسِيرَةِ رَسُولِ اللَّهِ ص وَ يَعْمَلَ فِيهِمْ بِعَمَلِهِ فَيَبْعَثُ اللَّهُ جَلَّ جَلَالُهُ جَبْرَائِيلَ ع حَتَّى يَأْتِيَهُ فَيُنزِلَ عَلَى الْحَطِيمِ يَقُولُ إِلَى أَيِّ شَيْءٍ تَدْعُو فَيُحْبِرُهُ الْقَائِمُ ع فَيَقُولُ جَبْرَائِيلُ أَنَا أَوَّلُ مَنْ يُبَايِعُكَ ابْسُطْ يَدَكَ فَيَمْسُخُ عَلَى يَدِهِ وَ قَدْ وَفَاهُ ثَلَاثُمِائَةٍ وَ بَضْعَةَ عَشَرَ رَجُلًا فَيُبَايِعُوهُ وَ يُقِيمُ بِمَكَّةَ حَتَّى يَمَّ أَصْحَابُهُ عَشْرَةَ آلَافٍ نَفْسٍ ثُمَّ يَسِيرُ مِنْهَا إِلَى الْمَدِينَةِ^۱

این حدیث دلالت می‌کند که بیعت جبرئیل و یاران امام با ایشان، بر پایه عمل ایشان به سنت پیامبر ص است.

بازگشت به سنت در بازسازی مساجد

در کتب روایی شیعه ضمن بیان نمونه‌های متعددی از اقدامات اصلاحی امام مهدی عج، بر انطباق سیره آن حضرت بر سنت و سیره پیامبر اکرم ص تأکید شده است که قسمی از آن‌ها، اصلاحات ایشان در شیوه ساخت مساجد اعم از مساجد خاص همچون مسجد الحرام، مسجد النبی ص و مسجد کوفه و نیز عموم مساجد است که به شرح این مطلب می‌پردازیم.

۱. بازسازی مسجد الحرام و مسجد النبی ص

امام زمان عج پس از ظهور به سراغ بزرگ‌ترین مراکز اسلامی یعنی مسجد الحرام و خانه کعبه و مسجد النبی ص می‌رود و این مساجد شریف را به همان وضع نخستینش باز می‌گرداند؛ یعنی همان وضعی که در عصر ظهور اسلام و زمان پیامبر اکرم ص داشته است. ابو بصیر از امام صادق ع چنین نقل می‌کند: «الْقَائِمُ يَهْدِمُ الْمَسْجِدَ الْحَرَامَ حَتَّى يُرُدَّهُ إِلَى أَسَاسِهِ وَ مَسْجِدَ الرَّسُولِ ص إِلَى أَسَاسِهِ وَ يُرُدُّ الْبَيْتَ إِلَى مَوْضِعِهِ وَ أَقَامَهُ عَلَى أَسَاسِهِ...»^۲ بی‌شک مراد از کلمه «اساس» در این روایت، نوع ساخت این اماکن مقدس در زمان پیامبر اکرم ص است که شامل کم و کیف ساخت می‌شود.

۱. الإرشاد، ج ۲، ص ۳۸۲-۳۸۳.

۲. شیخ طوسی، الغيبة، ۴۷۲. مشابه این حدیث را شیخ مفید نیز در /ارشاد از ابو بصیر از امام صادق ع نقل کرده است؛ رک: الإرشاد، ج ۲، ص: ۳۸۳-۳۸۴.

۲. بازسازی مسجد کوفه

مسجد کوفه از دیگر مساجد شریف است که امام مهدی عج پس از ظهور بر آن دست می‌گذارد و آن را بازسازی می‌کند، در روایت اصبح بن نباته چنین آمده است: «حَتَّىٰ انْتَهَىٰ [أي أمير المؤمنين ع] إِلَىٰ مَسْجِدِ الْكُوفَةِ وَ كَانَ مَبْنِيًّا بِحَرْفٍ وَ دِنَانٍ وَ طِينٍ فَقَالَ وَئَيْلٌ لِمَنْ هَدَمَكَ وَ وَئَيْلٌ لِمَنْ سَهَّلَ هَدَمَكَ وَ وَئَيْلٌ لِبَانِيكَ بِالْمَطْبُوحِ الْمُعَيَّرِ قِبْلَةَ نُوحٍ طُوبَىٰ لِمَنْ شَهِدَ هَدَمَكَ مَعَ قَائِمِ أَهْلِ بَيْتِي أَوْلَيْكَ خِيَارُ الْأُمَّةِ مَعَ أَبْرَارِ الْعِتْرَةِ». مراد از مطبوخ ظاهراً گل پخته یعنی همان آجر است و در برابر طین قرار دارد که در صدر روایت آمده است. مراد از عبارت: «الْمُعَيَّرِ قِبْلَةَ نُوحٍ» این است که مسجد کوفه قبله نوح نبی ع بوده و ظاهراً نخستین بار این نبی اولی العزم مسجد را به دست خود و با سفال و گل بنا نهاده و تعمدی در این کار داشته است و گرنه می‌توانست آن را با مثل آجر بنا نهد، از این رو باید به همان وضع نخستینش برگردد. مطابق روایت علی بن مهزیار از امام صادق ع در کتاب فقیه و تهذیب، زیاد بن ابی سفیان نخستین کسی بود که در اسلام بنای مسجد کوفه را دگرگون کرد و پیش از او نیز در مراحل از تاریخ دستخوش تغییر شده بود.^۲

در بخشی از حدیث طولانی از ابو بصیر از امام باقر ع نیز چنین آمده است: «إِذَا قَامَ الْقَائِمُ ع دَخَلَ الْكُوفَةَ وَ أَمَرَ بِهَدْمِ الْمَسَاجِدِ الْأَرْبَعَةِ حَتَّىٰ يَبْلُغَ أَسَاسَهَا وَ يُصَيِّرَهَا عَرِيشًا كَعَرِيشِ مُوسَىٰ...»^۳ ذیل این حدیث دلالت می‌کند که همه اصلاحات عمرانی آن حضرت در راستای بازسازی این اماکن شریف بر طبق سنت نبوی است. مراد از مساجد اربعه شاید مسجد الحرام، مسجد النبی ص، مسجد کوفه و مسجد الأقصى باشد که مطابق روایت ابو حمزه ثمالی از امام باقر ع شریف‌ترین مساجد روی زمین‌اند و شاید هم مراد از آن، چهار مسجد معروف در کوفه از جمله مسجد کوفه و سهله باشد. تعبیر «عَرِيشًا كَعَرِيشِ مُوسَىٰ» در این روایت تعبیری بسیار لطیف است که در ادامه آن را شرح خواهیم کرد. در روایت حَبَّةُ عُرْنِي از امیر المؤمنین ع نیز درباره مسجد کوفه چنین آمده است: «... أَمَا إِنَّ قَائِمَنَا إِذَا قَامَ كَسَرَهُ وَ سَوَّىٰ قِبْلَتَهُ»^۴

البته شاید کسی در اینجا بپرسد که اگر بنای مسجد کوفه یا مسجد الحرام به همان وضع پیشین برگردد گنجایش انبوه جمعیت را در آن زمان نخواهد داشت؟

۱. شیخ طوسی، الغیبة، ۴۷۳.

۲. من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۲۳۰، بَابُ فَضْلِ الْمَسَاجِدِ وَ... ح ۶۹۱، مرسلًا؛ تهذیب الأحکام؛ ج ۳، ص ۲۵۵، باب فضل المساجد، ح ۲۴.

۳. شیخ طوسی، الغیبة، ۴۷۵؛ منتخب الأنوار المضية، ص ۱۹۴.

۴. من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۲۲۹، بَابُ فَضْلِ الْمَسَاجِدِ وَ... ح ۶۸۴.

۵. الغیبة للنعمانی، ۳۱۸.

پاسخ این است که غرض امام، نگهداشتن آن مساجد به همان وضع نخستینش است و مشکل ازدحام جمعیت را با راهکارهای دیگری هم می‌توان حل کرد؛ مثلاً در برخی روایات آمده است که آن حضرت در کوفه مسجدی جدید بنا می‌نهد که پانصد (یا هزار) درب دارد، بنابراین دیگر مشکلی به نام ازدحام جمعیت در مسجد کوفه نخواهد بود:

خَرَجَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ع إِلَى الْحَيْرَةِ فَقَالَ لَتَصِلَنَّ هَذِهِ بِيَدِهِ وَأَوْمَى بِيَدِهِ إِلَى الْكُوفَةِ وَ الْحَيْرَةِ حَتَّى يُبَاعَ الدِّرَاعُ فِيمَا بَيْنَهُمَا بَدَنَائِرَ وَ لَيْبِنِينَ بِالْحَيْرَةِ مَسْجِدٌ لَهُ حَمْسُمِائَةِ بَابٍ يُصَلِّي فِيهِ خَلِيفَةُ الْقَائِمِ عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى فَرْجَهُ لِأَنَّ مَسْجِدَ الْكُوفَةِ لَيَضِيقُ عَنْهُمْ وَ لَيَصَلِّيَنَّ فِيهِ اثْنَا عَشَرَ إِمَاماً عَدَلاً قُلْتُ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ وَ يَسْعُ مَسْجِدُ الْكُوفَةِ هَذَا الَّذِي تَصِفُ النَّاسُ يَوْمَئِذٍ قَالَ ثُبْنِي لَهُ أَرْبَعُ مَسَاجِدَ - مَسْجِدُ الْكُوفَةِ أَصْغَرُهَا وَ هَذَا وَ مَسْجِدَانِ فِي طَرَفِي الْكُوفَةِ مِنْ هَذَا الْجَانِبِ وَ هَذَا الْجَانِبِ وَ أَوْمَى بِيَدِهِ نَحْوَ الْبَصْرِيِّينَ وَ الْعَرَبِيِّينَ.^۱

۳. تغییر سقف و سایبان مساجد

افزون بر اصلاحات عمرانی امام زمان عج نسبت به مساجد خاص همچون مسجد الحرام و مسجد النبی ص و مسجد کوفه، آن حضرت در ساختار عموم مساجد نیز تغییراتی می‌دهد که برخی از آن‌ها به فضای درونی مساجد برمی‌گردد و برخی از آن‌ها به فضای بیرونی مساجد؛ مثلاً بخشی از اصلاحات آن حضرت تغییر سقف و سایبان مساجد است؛ چنان‌که در روایتی از امام صادق ع چنین آمده است: «سُئِلَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع عَنِ الْمَسَاجِدِ الْمُظَلَّلَةِ أَمْ يُكْرَهُ الصَّلَاةُ فِيهَا قَالَ نَعَمْ وَ لَكِنْ لَا يَضُرُّكُمْ الْيَوْمَ وَ لَوْ كَانَ الْعَدْلُ لَرَأَيْتُمْ كَيْفَ يُصْنَعُ فِي ذَلِكَ...»^۲ البته به قرینه روایات دیگر روشن می‌شود که مراد از مساجد مظلمه، هر نوع سایبانی نیست بلکه مراد سایبان‌هایی است که در زمان امام صادق ع متداول بوده است. در روایتی از امام باقر ع نیز چنین آمده است: «وَ أَوَّلُ مَا يَبْدَأُ بِهِ فَائِمُنَا سُقُوفَ الْمَسَاجِدِ فَيُكْسِرُهَا وَ يَأْمُرُ بِهَا فَيُجْعَلُ عَرِيشاً كَعَرِيشِ مُوسَى»^۳

عبارت «وَ أَوَّلُ مَا يَبْدَأُ بِهِ فَائِمُنَا» نیز دلالت بر اهمیت تجدید بنای مساجد می‌کند که اولویت کاری امام زمان عج پس از تشکیل و استقرار حکومت است. عبارت «فَيُجْعَلُ عَرِيشاً كَعَرِيشِ مُوسَى» نیز عبارتی بسیار پرمغز است که آن را شرح می‌دهیم.

۱. تهذیب الأحکام؛ ج ۳، ص ۲۵۳-۲۵۴، بَابُ فَضْلِ الْمَسَاجِدِ وَ ...، ح ۱۹، باسناده إلى حبة العرنی.

۲. الکافی، ج ۳، ۳۶۸، بَابُ بِنَاءِ الْمَسَاجِدِ...، ح ۴: تهذیب الأحکام، ج ۳، ۲۵۳، بَابُ فَضْلِ الْمَسَاجِدِ، ح ۱۵؛ من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ۲۳۵، بَابُ فَضْلِ الْمَسَاجِدِ.

۳. من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ۲۳۶، بَابُ فَضْلِ الْمَسَاجِدِ وَ ...، مرسلاً.

به گفته بیشتر اهل لغت «عریش» به معنای «ما یستظل به»^۱ یعنی سایبان است. البته برخی از اهل لغت نیز آن را به نوع خاصی از سایبان اطلاق داده‌اند؛ مثلاً ازهری می‌گوید: «قد رأیتُ العرب تسمی المظال التي تُسوی من جريد النَّخل و يُطرح فوقها الثَّمَامُ غُروشاً، و الواحد منها عریش»^۲ و ابن سیده می‌گوید: «و العریش: الأصل تكون فيه أربعُ فُخلات أو خمس. حکاه أبو حنیفة عن أبي عمرو»^۳ که عریش به هر یک از این معانی باشد در نتیجه بحث ما تأثیری نخواهد داشت. عبارت «عریش موسی لا صرخ هامان» نیز یکی از امثال عربی است که برای بیان ساده‌زیستی موسوی در برابر تجمل‌گرایی و برتری‌طلبی فرعونی به کار می‌رود و به شبه‌خیمه از چوب و ثمام (گیاهی که برگش مثل برگ نخل است) گفته می‌شود.^۴

تعبیر «فَيُجْعَلُ عَرِيشًا كَعَرِيشِ مُوسَى» در حدیث محل بحث تعبیری بسیار لطیف و گویا است؛ این تعبیر پیشتر از آن در لسان پیامبر اکرم ص و در هنگام بنای مسجد النبی ص در مدینه به کار رفته است. شرح این مطلب و کیفیت بنای مسجد النبی ص در روایت عبد الله بن سنان از امام صادق ع چنین تبیین شده است:

إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ ص بَنَى مَسْجِدَهُ بِالسَّمِيطِ ثُمَّ إِنَّ الْمُسْلِمِينَ كَثُرُوا فَقَالُوا يَا رَسُولَ اللَّهِ لَوْ أَمَرْتَ بِالْمَسْجِدِ فَرِيدَ فِيهِ فَقَالَ نَعَمْ فَأَمَرَ بِهِ فَرِيدَ فِيهِ وَ بَنَاهُ بِالسَّعِيدَةِ ثُمَّ إِنَّ الْمُسْلِمِينَ كَثُرُوا فَقَالُوا يَا رَسُولَ اللَّهِ لَوْ أَمَرْتَ بِالْمَسْجِدِ فَرِيدَ فِيهِ فَقَالَ نَعَمْ فَأَمَرَ بِهِ فَرِيدَ فِيهِ وَ بَنَى جِدَارَهُ بِالْأُنْثَى وَ الذَّكْرِ ثُمَّ اشْتَدَّ عَلَيْهِمُ الْحَرُّ فَقَالُوا يَا رَسُولَ اللَّهِ لَوْ أَمَرْتَ بِالْمَسْجِدِ فَظَلَّلَ فَقَالَ نَعَمْ فَأَمَرَ بِهِ فَأَقِيمَتْ فِيهِ سَوَارٍ مِنْ جُدُوعِ النَّخْلِ ثُمَّ طُرِحَتْ عَلَيْهِ الْعَوَارِضُ وَ الْخُصْفُ وَ الْإِدْخُرُ فَعَاشُوا فِيهِ حَتَّى أَصَابَتْهُمْ الْأَمْطَارُ فَجَعَلَ الْمَسْجِدُ يَكْفُ عَلَيْهِمْ فَقَالُوا يَا رَسُولَ اللَّهِ لَوْ أَمَرْتَ بِالْمَسْجِدِ فَطَبَّنَ فَقَالَ هُمْ رَسُولُ اللَّهِ ص لَا عَرِيشَ كَعَرِيشِ مُوسَى ع فَلَمْ يَزَلْ كَذَلِكَ حَتَّى فُبِضَ رَسُولُ اللَّهِ ص وَ كَانَ جِدَارُهُ قَبْلَ أَنْ يُظَلَّلَ قَامَةً... وَ قَالَ السَّمِيطُ لِبِنَّةٍ وَ السَّعِيدَةُ لِبِنَّةٍ وَ نِصْفٌ وَ الذَّكْرُ وَ الْأُنْثَى لِبِنْتَانِ مَخَالِفَتَانِ.^۵

این روایت به روشنی ساختار ساده مسجد النبی ص را نشان می‌دهد و شأن صدور عبارت «عریش کعریش موسی ع» را باز می‌گوید. در روایات متعدد اهل سنت نیز این عبارت را از پیامبر اکرم ص نقل کرده‌اند؛ مثلاً در روایت عبادة بن صامت چنین آمده است: «لیس بی رغبة عن أخي موسى، عریش کعریش موسی»^۶ و

۱. رک: النهاية، ج ۳، ص ۲۰۷؛ معجم مقاییس اللغة، ج ۴، ص ۲۶۵؛ شمس العلوم، ج ۷، ص ۴۴۷۵؛ المحکم و المحيط الأعظم، ج ۱، ص ۳۶۲.

۲. تهذیب اللغة، ج ۱، ص ۲۶۴.

۳. المحکم و المحيط الأعظم، ج ۱، ص ۳۶۲.

۴. أساس البلاغة، ص ۴۱۴.

۵. الکافی؛ ج ۳، ص ۲۹۵، بَابُ بِنَاءِ مَسْجِدِ النَّبِيِّ ص، ح ۱. مرحوم ربانی در شرح این بخش از حدیث می‌گوید: فی الصحاح سواری جمع ساریة و هی الأسطوانة - و قال الفيض - رحمه الله -: السواری من الخشب: ما یوضع فی الطول و العوارض ما یوضع فی العرض و الخصف: ورق النخل یکف القطر. انتهى. و الاذخر: الحشیش الاخضر.

۶. کنز العمال، ج ۳، ص ۳۹۳، ح ۷۱۰۵.

در روایت ابی الدرداء چنین آمده است: «ذرعنا المسجد، ثم أتينا رسول الله ص فقال: عريش كعريش موسى؟ ثمام^۱ وخبشيات، والأمر أعجل من ذلك»^۲ در ذیل این روایت سرّ توصیه به ساختن یک عریش مثل عریش موسی نیز بیان شده است که همان زودگذری دنیا است. در *جامع العلوم* ابن رجب نیز به نقل از ابن ابی الدنیا چنین آمده است: «لما بنى رسول الله ص مسجده قال ابنوه عريشا كعريش موسى ع قيل للحسن وما عريش موسى قال إذا رفع يده بلغ العريش (يعني السقف)»^۳ در این روایت عریش موسی به کوتاه بودن سقف تفسیر شده است. در روایت لیث از سالم بن عطیه این عبارت چنین تفسیر شده است: «قال رسول الله ص عرش الناس كعرش موسى يعني أنه كان يكره الطاق في حوالي المسجد»^۴ که نشان می‌دهد این عبارت به اطلاقش شامل نفی طاق در مسجد نیز می‌شود که در ادامه متعرض این بحث نیز خواهیم شد. مؤید مطالب فوق حدیثی دیگر نیز هست که ابو داوود در سنن خود از ابن عباس از رسول خدا ص چنین نقل می‌کند: «مَا أُمِرْتُ بِتَشْيِيدِ الْمَسَاجِدِ»^۵

پس مراد پیامبر ص از عبارت «عریش کعریش موسی» این است: «همین که سایبانی باشد بس است.» البته شاید تشبیه به عریش موسی ع در عبارت رسول خدا ص ناظر به عبارت شریف «ظَلَّلْنَا عَلَيْهِمُ الْغَمَامَ» (اعراف: ۱۶۰) در قرآن کریم باشد که سایبان حضرت موسی ع و قومش، را ابر آسمان می‌داند و موسی و هارون همین که سایه‌ای بالای سرشان بود راضی بودند و نیازی نمی‌دیدند که همچون فرعون بر سر خود کاخ آجری بیاریند؛ چنان‌که در قرآن کریم از زبان فرعون چنین نقل شده است که متکبرانه در میان ملأ خود ندا داد: «فَأَوْقِدْ لِي يَا هَامَانَ عَلَى الطِّينِ فَاجْعَلْ لِي صَرْحًا» (قصص: ۳۸) که عبارت «فَأَوْقِدْ لِي... عَلَى الطِّينِ» به معنای تهیه آجر است.

البته روشن است که کوتاه کردن سقف مساجد لزوماً به معنای تهویه نامناسب آن‌ها نیست و این مشکل را از راه‌های دیگری همچون کثرت در و پنجره‌ها نیز می‌توان رفع کرد.

در روایات اهل سنت تصریح شده است که ساخت مسجد النبى ص پس از آن حضرت دستخوش تحریف شد؛ در سنن ابو داوود با سند خود به عبد الله بن عمر چنین نقل می‌کند: «أَنَّ الْمَسْجِدَ كَانَ عَلَى عَهْدِ رَسُولِ اللَّهِ ص مَبْنِيًّا بِاللَّبْنِ وَالْجُرِيدِ (قَالَ مُجَاهِدٌ: وَعَمَدُهُ مِنْ خَشَبِ النَّخْلِ) فَلَمْ يَزِدْ فِيهِ أَبُو بَكْرٍ شَيْئًا وَزَادَ فِيهِ عُمَرُ وَبَنَاهُ عَلَى بَنَائِهِ

۱. ثمام به معنای شاخه‌های درخت است.

۲. کنز العمال، ج ۳، ص ۷۸۳، ح ۸۷۴۵، نیز رک: همان، ج ۱۵، ص ۳۸۹، ح ۴۱۵۰۳.

۳. جامع العلوم والحکم، ص: ۴۲.

۴. سنن البيهقي الكبرى، ج ۲، ص ۴۳۹.

۵. سنن أبي داود، ج ۱، ص ۱۷۰، باب في بناء المساجد، ح ۴۴۸.

فِي عَهْدِ رَسُولِ اللَّهِ ص بِاللَّيْلِ وَالْجُرَيْدِ وَأَعَادَ عَمَدَهُ (قَالَ مُجَاهِدٌ: عُمُدُهُ حَشَبًا) وَعَبِيرُهُ عُمَمَانُ فَرَادَ فِيهِ زِيَادَةٌ كَثِيرَةٌ وَبَنَى جِدَارَهُ بِالْحِجَارَةِ الْمَنْفُوشَةِ وَالْقَصَبَةِ وَجَعَلَ عَمَدَهُ مِنْ حِجَارَةٍ مَنْفُوشَةٍ وَسَقَفَهُ بِالسَّاجِ. قَالَ مُجَاهِدٌ: وَسَقَفَهُ السَّاجُ. قَالَ أَبُو دَاوُدَ الْقَصَبَةُ الْجُصْنُ^۱ البانی در ذیل این حدیث آن را صحیح دانسته است.^۲

اصولاً مساجد جایگاه یاد خداست نه مکانی برای مباحات. در سنن ابن ماجه به سند خود به انس بن مالک از رسول خدا ص چنین نقل می‌کند: «لا تقوم الساعة حتى يتباهى الناس في المساجد»^۳ و این مباحات در مساجد آفتی است که امروزه کم‌وبیش دامنگیر همه مسلمانان شده است و در تزیین مساجد راه افراط را می‌پیمایند.

۴. انهدام مناره‌ها و محراب‌ها

یکی از اقدامات اصلاحی امام زمان عج نسبت به مساجد حذف مناره و محراب از آن‌هاست. ابو هاشم جعفری می‌گوید:

كُنْتُ عِنْدَ أَبِي مُحَمَّدٍ فَقَالَ إِذَا حَرَجَ الْقَائِمُ أَمَرَ بِهَدْمِ الْمَنَارِ وَالْمَقَاصِيرِ الَّتِي فِي الْمَسَاجِدِ فَقُلْتُ فِي نَفْسِي لِأَيِّ مَعْنَى هَذَا فَأَقْبَلَ عَلَيَّ وَ قَالَ مَعْنَى هَذَا أَنَّهَا مُبْتَدَعَةٌ لَمْ يَبْنِهَا نَبِيٌّ وَلَا حُجَّةٌ^۴ شاهد این حدیث روایت شیخ صدوق در کتاب فقیه است که می‌گوید: «رُوي أَنَّ عَلِيًّا ع مرَّ عَلَى مَنَارَةٍ طَوِيلَةٍ فَأَمَرَ بِهَدْمِهَا ثُمَّ قَالَ: لَا تُرْفَعِ الْمَنَارَةُ إِلَّا مَعَ سَطْحِ الْمَسْجِدِ»^۵

علامه مجلسی در شرح حدیث پیشین از ابو هاشم جعفری می‌گوید: «مشهور بین اصحاب کراهت تطویل مناره بیش از بام مسجد است تا مؤذنان بر همسایگان مشرف نشوند و مناره‌های بلند از بدعت‌های عمر است و مراد از مقاصیر نیز محراب‌های درون [مسجد] است»^۶

۱. سنن ابی داود، ج ۱، ص ۱۷۱، ح ۴۵۱. نیز این مضمون در روایت دیگر نیز آورده است: رک: سنن ابی داود، ج ۱، ص ۱۷۲، ح ۴۵۲.

۲. همان.

۳. سنن ابن ماجه، ج ۱، ص ۲۴۴، ح ۷۳۹. البانی این حدیث را صحیح دانسته است. البته ممکن است مباحات در مساجد به این معنا باشد که مردم به جای پرداختن به یاد خدا در مساجد، بر همدیگر مباحات می‌کنند ولی معنای اول که در متن گفتیم بیشتر به ذهن تبادر می‌کند؛ زیرا مباحات بر هم در امور دنیوی (غیر از ساخت مساجد) علی القاعده در زمان پیامبر ص هم جریان داشته است و اختصاصی به آخر الزمان ندارد.

۴. شیخ طوسی، الغیبه، ص ۲۰۶-۲۰۷؛ کشف الغمّة، ج ۲، ۴۱۸. در غیبت شیخ طوسی نام این شخص داود بن قاسم جعفری عنوان شده است که این دو مطلب ظاهراً با هم تعارضی ندارند؛ زیرا در یک جا اسم و در یک جا کنیه وی آمده است.

۵. من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۲۳۹، بَابُ فَضْلِ الْمَسَاجِدِ وَ...، ح ۷۲۲، مرسلًا؛ تهذیب الأحکام؛ ج ۳، ص ۲۵۶، بَابُ فَضْلِ الْمَسَاجِدِ وَ...، ح ۳۰، أَحْمَدُ عَنِ الْبَرْقِيِّ عَنِ النَّوْفَلِيِّ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنِ جَعْفَرِ بْنِ أَبِيهِ عَنِ أَبِيهِ عَنِ عَلِيٍّ عَ أَنْ عَلِيًّا ع... .

۶. بحار الأنوار، ج ۸۰، ص ۳۷۶.

قدر مسلم از لفظ «مقاصیر» در این روایات محراب‌هایی است که بین امام و مأمومان بیش از فاصله مجاز (یعنی بیش از یک قدم) فاصله می‌اندازد و نماز مأمومان را باطل می‌کند. هدف از ساخت این محراب‌ها هم ظاهراً حفاظت از جان امام جماعت بوده و به‌گونه‌ای امام جماعت در آن‌ها مقصور (یا محصور) می‌شده است؛ چنان‌که در روایت زراره از امام باقر ع چنین آمده است: «هَذِهِ الْمَقَاصِيرُ لَمْ يَكُنْ فِي زَمَانِ أَحَدٍ مِنَ النَّاسِ وَ إِنَّمَا أَخَذَتْهَا الْجُبَّارُونَ لَيْسَتْ لِمَنْ صَلَّى حَلْفَهَا مُقْتَدِيًا بِصَلَاةٍ مِنْ فِيهَا صَلَاةٌ...»^۱ برخی از اهل سنت تصریح کرده‌اند که مقاصیر غرفه‌هایی است محراب‌گونه که امرا آن‌ها را از ترس کشته‌شدن در ایام فتنه خصوصاً بعد از کشته‌شدن عمر و علی [ع] به پا می‌داشته‌اند.^۲

البته برخی از روایات مطلق است و همه محراب‌ها را نفی می‌کند؛ مثلاً در روایت طلحة بن زید از امام صادق ع چنین آمده است: «عَنْ عَلِيِّ ع أَنَّهُ كَانَ يَكْسِرُ الْمَحَارِبَ إِذَا رَأَاهَا فِي الْمَسَاجِدِ وَ يَقُولُ كَأَنَّهَا مَذَابِجُ الْيَهُودِ»^۳ در سنن بیهقی از کتب اهل سنت نیز با سند خود به عبد الله بن عمرو عاص از پیامبر اکرم ص چنین نقل می‌کند: «اتقوا هذه المذابح (يعني المحارِب)»^۴ و در مصنف ابن ابی شیبیه با سند خود به ابراهیم بن مهاجر از علی ع نقل می‌کند که «أَنَّ كَرَةَ الصَّلَاةِ فِي الطَّاقِ» و اخبار متعدد دیگری مبنی بر انکار صحابه نسبت به طاق نقل می‌کند.^۵ طاق فارسی معرّب است که هم‌اکنون در فارسی نیز به همین معنا به کار می‌رود.

بنابراین امام زمان عج نیز در معماری اماکن مقدسه تابع سنت‌های پیامبران و حجج الهی است که در رأس آنان پیامبر خاتم ص است و چون این نوع از محراب‌ها (یا مقاصیر) را هیچ پیامبر و حجت خدایی پیش از امام زمان عج نساخته، پس بدعت است و باید ویران شود.

۱. الکافی، ج ۳، ص ۳۸۵، باب الرجل... یكون بينه وبين الإمام ما لا يتخطى، ح ۴، علی بن ابراهیم عن ابيه عن حماد بن عيسى عن حريز عن زرارة عن أبي جعفر قال: من لا يحضره الفقيه، ج ۱، ص ۳۸۶، باب الجماعة و فضلها، ح ۱۱۴۴؛ تهذيب الأحكام، ج ۳، ص ۵۲، باب أحكام الجماعة و...، ح ۹۴. صدر این روایت چنین است: «إِنَّ صَلَّى قَوْمٌ وَ بَيْنَهُمْ وَ بَيْنَ الْإِمَامِ مَا لَا يُتَخَطَّى فَلَيْسَ ذَلِكَ الْإِمَامُ لَمْ يَأْمُرْ وَ أَيُّ صَفِّ كَانَ أَهْلُهُ يُصَلُّونَ بِصَلَاةِ إِمَامٍ وَ بَيْنَهُمْ وَ بَيْنَ الصَّفِّ الَّذِي يَتَقَدَّمُهُمْ قَدْرٌ مَا لَا يُتَخَطَّى فَلَيْسَ تِلْكَ لَمْ يَأْمُرْ فَإِنْ كَانَ بَيْنَهُمْ سُرَّةٌ أَوْ جِدَارٌ فَلَيْسَتْ تِلْكَ بِصَلَاةٍ إِلَّا مَنْ كَانَ مِنْ جِوَالِ الْبَابِ قَالَ وَ قَالَ»

۲. مصنف ابن ابی شیبیه، ج ۲، ص ۱۵۸، المقاصير: غرف كالمحارِب كان الامراء يقيمونها خشية القتل في أيام الفتنه خصوصاً بعد استشهاد عمر و علی رضی الله عنهما» البته روشن است که عمر در محراب به شهادت نرسید.

۳. تهذيب الأحكام؛ ج ۳، ص ۲۵۳، باب فضل المساجد، ح ۱۶، بإسناده إلى طلحة بن زيد عن جعفر عن ابيه.

۴. سنن البيهقي الكبرى، ج ۲، ص ۴۳۹، ح ۴۱۰۲.

۵. رك: مصنف ابن ابی شیبیه، ج ۲، ص ۵۹-۶۰.

۵. حذف بالکن از مساجد

یکی دیگر از اصلاحات امام عجم حذف بالکن از مساجد است. در بخشی از حدیثی طولانی از ابو بصیر از امام باقر ع نیز چنین آمده است: «إِذَا قَامَ الْقَائِمُ ع... تَكُونُ الْمَسَاجِدُ كُلُّهَا جَمَاءً لَا شُرْفَ لَهَا كَمَا كَانَتْ عَلَى عَهْدِ رَسُولِ اللَّهِ ص»^۱ «جماء» به معنای یکسانی و یکپارچگی است^۲ و عبارت «لَا شُرْفَ لَهَا» تفسیر آن است. شیخ صدوق می‌گوید: «وَرَأَى عَلِيٌّ ع مَسْجِدًا بِالْكُوفَةِ قَدْ شُرِفَ قَالَ: كَأَنَّهُ بَيْعَةٌ إِنَّ الْمَسَاجِدَ لَا تُشْرَفُ تُبْنَى جُمَاءً»^۳ در سنن بیهقی از اهل سنت نیز به طریق خود از انس بن مالک از پیامبر اکرم ص چنین نقل می‌کند: «ابنوا المساجد واتخذوها جماء»^۴ و باز به طریق دیگر از انس بن مالک از پیامبر اکرم ص چنین نقل می‌کند: «أمرت بالمساجد جماء»^۵ نیز به طریق خود از ابن عباس نقل می‌کند: «أمرنا أن نبني المساجد جماء والمدائن شرفاء»^۶ و باز به طریق خود از ابن عمر نقل می‌کند: «نحانا أو نهيئنا أن نصلي في مسجد مشرف»^۷ در سنن ابن ماجه هم به طریق خود از ابن عباس از پیامبر اکرم ص چنین نقل می‌کند: «أراكم سُشْرَفُونَ مساجدكم بعدي كما شرفت اليهود كنائسها وكما شرفت النصارى بيعتها»^۸ البته سند این حدیث ضعیف است ولی مؤیدی برای ما نحن فیه است.

۶. حذف تصویر از مساجد

یکی دیگر از اصلاحات امام عجم حذف تصویر از مساجد است. عمرو بن جُمیع نیز می‌گوید: «سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ ع عَنِ الصَّلَاةِ فِي الْمَسَاجِدِ الْمُصَوَّرَةِ فَقَالَ أَكْرَهُ ذَلِكَ وَ لَكِنْ لَا يَضُرُّكُمْ ذَلِكَ الْيَوْمَ وَ لَوْ قَدْ قَامَ الْعَدْلُ رَأَيْتُمْ كَيْفَ يُصْنَعُ فِي ذَلِكَ»^۹ در احادیث اهل سنت نیز اخباری دال بر کراهت زخرفه المساجد (تزیین مساجد) نقل شده که مؤید این روایات است.^{۱۰}

۱. شیخ طوسی، الغیبه، ۴۷۵؛ منتخب الأنوار المضية، ص ۱۹۴.

۲. رک: کتاب العین، ج ۶، ص: ۲۸؛ «الجماء استواء الناس حتى لا ترى لبعضهم على بعض فضلا، ليس فيهم متقدم لصاحبه، كأنهم حزم».

۳. من لا يحضره الفقيه، ج ۱، ص ۲۳۶، بَابُ فَضْلِ الْمَسَاجِدِ وَ...، ح ۷۰۸، مرسلاً؛ تهذیب الأحكام؛ ج ۳، ص ۲۵۳، بَابُ فَضْلِ الْمَسَاجِدِ، ح ۱۷ - عَنْهُ [محمد بن يحيى عن عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى عَنْ طَلْحَةَ بْنِ زَيْدٍ] عَنْ جَعْفَرٍ عَنْ أَبِيهِ أَنَّ عَلِيًّا ع رَأَى... .

۴. سنن البيهقي الكبرى، ج ۲، ص ۴۳۹، ح ۴۰۹۸.

۵. همان، ح ۴۰۹۹.

۶. همان، ح ۴۱۰۱.

۷. همان، ح ۴۱۰۰.

۸. سنن ابن ماجه، ج ۱، ص ۲۴۴، ح ۷۴۰.

۹. الكافي، ج ۳، ص ۳۶۹، بَابُ بِنَاءِ الْمَسَاجِدِ...، ح ۶؛ تهذیب الأحكام، ج ۳، ص ۲۵۹، بَابُ فَضْلِ الْمَسَاجِدِ...، ح ۴۶.

۱۰. برای مثال رک: سنن أبي داود، ج ۱، ص ۱۷۰، بَابُ فِي بِنَاءِ الْمَسَاجِدِ، ح ۴۴۸.

در مجموع از این روایات استفاده می‌شود که امام زمان در یکی از نخستین اقدامات اصلاحی خود دست بر مهم‌ترین مکان دینی یعنی مساجد می‌نهد و تجملات و تصاویر و مظاهر دنیا و آنچه را که ذهن اهل مسجد را به خود مشغول می‌کند و به دنیا مشغول می‌کند و از توجه به یاد خدا و آخرت باز می‌دارد، برمی‌دارد و مساجد را مشابه آنچه در صدر اسلام بوده باز می‌سازد.

عبارت پایانی روایت نشان می‌دهد که دست ائمه اهل بیت ع در اجرای احکام الهی و سنن نبوی بسته بوده و در تقیه به سر می‌برده‌اند و مخالفت نکردن آشکار آنان با این معضلات، دلیل بر تأیید آنان نمی‌کند، لذا در عصر ظهور که زمینه اجرای این احکام فراهم می‌شود و امام عصر عج بسط ید می‌یابد در اجرای آن احکام ذره‌ای کوتاه نمی‌آید و این نکته‌ای است اصولی که در مبحث دلالت سیره نیز باید مدنظر قرار گیرد.

نتیجه و تحلیل

از مطالب گذشته روشن شد که امام زمان عج پس از ظهور نسبت به مساجد خاص و عام طرحی نو درمی‌اندازد و آن‌ها را به شکلی جدید و بی‌پیرایه بازسازی می‌کند، اما مهم این است که هدف همه این اصلاحات بازگشت به سنت پیامبر اکرم ص است و آن عدالت‌گستر گیتی قانونی نواز پیش خود و بر خلاف سنت نبوی نمی‌آورد. بلکه از خلال برخی روایات گذشته روشن شد که همه انبیای الهی در ساخت مساجد کم‌وبیش رویه مشابهی داشته‌اند و سنت پیامبر اکرم ص در این باب با سنت برادران گذشته‌اش همچون نوح نبی ع و موسی کلیم ع و دیگر پیامبران الهی هماهنگ بوده است.

البته پس از اثبات این مطلب یک پرسش اساسی دیگر رخ می‌نماید که چرا پیامبر اکرم ص در ساخت مساجد چنین شیوه‌ای را پیش می‌گرفته و مساجد را چنین ساده و بی‌پیرایه می‌ساخته است؟ چرا مساجد اسلامی بی‌گلدسته و محراب و بالکن و نقش و تزیین باشد و درون و برون مساجد چنین لخت و عریان باشد؛ مگر نه چنین است که به سبب فطرت زیبایی طلب آدمی، علی القاعده مساجد هرچه آبادتر و مستحکم‌تر و زیباتر باشد اقبال مردم هم به حضور و ماندن در آن‌ها نیز باید بیشتر شود؟

به نظر می‌رسد که پاسخ این پرسش را باید در یکی از مفاهیم کلیدی اخلاق اسلامی جست که همان مفهوم زهد و مخالفت با تجمل‌گرایی و توجه به گذرا و فریبابودن دنیاست (که در برخی احادیث گذشته نیز به صراحت به آن اشاره شده بود) و این امر در مسجد که مهم‌ترین کانون معنوی است حضوری پررنگ‌تر دارد.

درحقیقت آبادانی خانه‌های خدا به کثرت یاد خدا و یاد آخرت در آن‌هاست، نه به کثرت مظاهر دنیا، و چه بسا مسجدی که: «يُذَكَّرُ فِيهَا اسْمُ اللَّهِ كَثِيرًا» (حج: ۴۰) و مسجدی که: «فِيهِ رِجَالٌ يُجُوبُونَ أَنْ يَنْتَهَرُوا (توبه: ۱۰۸)» در حالی که ساده و بی‌پیرایه است و چه بسا مسجدی که بنایی آباد دارد اما یاد خدا چندان در آن زنده نیست. درواقع اگر خانه دل با یاد خدا آباد گشت و حریم کبریایی حضرت حق شد، خانه خدا در بیرون - که همان مسجد است - نیز آباد می‌شود و دراین‌حال چه فرق که دیوار مسجد از خشت گلین باشد یا از خشت زرین، و چه فرق که برای مسجد «سُقْفًا مِنْ فِضَّةٍ» (زخرف: ۳۳) باشد یا «عَرِيشًا كَعَرِيشِ مُوسَى» و چه فرق که گلدسته مسجد سر به آسمان بردارد یا از بام مسجد سر بر ندارد.

تجربه عینی هم نشان می‌دهد که آنچه مردم را به مساجد می‌کشاند گنبد و گلدسته و محراب و کاشی و آینه و چراغ مسجد نیست، بلکه ایمان و تقوای درونی مؤمنان، حضور مردان و زنان باایمان و خوش‌برخورد، امام جماعت‌های عادل و پرهیزکار و خادمان دلسوز و مهربان در مسجد است که مردم را به این خانه‌های خدا می‌کشاند.

منابع

۱. ابن ابی زینب، محمد بن ابراهیم، الغیبة، ج ۱، نشر صدوق، تهران، ۱۳۹۷ ق.
۲. طوسی، محمد بن الحسن، الغیبة (کتاب الغیبة للحجة)، ج ۱، دار المعارف الإسلامية، قم، ۱۴۱۱ ق.
۳. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، ج ۴، دار الکتب الإسلامية، تهران، ۱۴۰۷ ق.
۴. طوسی، محمد بن الحسن، تهذیب الأحکام، تحقیق: حسن الموسوی خراسان، ج ۴، دار الکتب الإسلامية، تهران، ۱۴۰۷ ق.
۵. ابن بابویه، محمد بن علی، من لا یحضره الفقیه، ج ۲، دفتر انتشارات اسلامی، قم، ۱۴۱۳ ق.
۶. مفید، محمد بن محمد، الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد، ج ۱، کنگره شیخ مفید، قم، ۱۴۱۳ ق.
۷. فراهیدی، خلیل بن احمد، کتاب العین، ج ۲، نشر هجرت، قم.
۸. ابن فارس، احمد بن فارس، معجم مقاییس اللغة، ج ۱، مکتب الاعلام الاسلامی، قم.
۹. زنجشیری، محمود بن عمر، أساس البلاغة، ج ۱، دار صادر، بیروت.
۱۰. بهاء الدین نیلی نجفی، علی بن عبد الکریم، منتخب الأنوار المضيئة فی ذکر القائم الحجة ع، ج ۱، خیام، قم، ۱۳۶۰ ش.
۱۱. اربلی، علی بن عیسی، کشف الغمة فی معرفة الأئمة، ج ۱، بنی هاشمی، تبریز، ۱۳۸۱ ق.
۱۲. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، بحار الأنوار، ج ۲، دار إحياء التراث العربي، بیروت، ۱۴۰۳ ق.
۱۳. ابن اثیر جزری، مبارک بن محمد، النهاية فی غریب الحدیث و الأثر، ج ۴، اسماعیلیان، قم، ۱۳۶۷.
۱۴. حمیری، نشوان بن سعید، شمس العلوم، ج ۱، دمشق، دار الفکر.

١٥. ابن سيده، على بن اسماعيل، المحكم و المحيط الأعظم، ج ١، دار الكتب العلمية، بيروت.
١٦. ازهرى، محمد بن احمد، تهذيب اللغة، ج ١، بيروت، دار احياء التراث العربي.
١٧. سليمان بن الأشعث، أبو داود السجستاني، سنن أبي داود، دار الكتاب العربي، بيروت.
١٨. عبد الله بن محمد بن أبي شيبة العبسي الكوفي، مُصنّف ابن أبي شيبة، تحقيق محمد عوامة، دار السلفية الهندية القديمة.
١٩. محمد بن يزيد أبو عبدالله القزويني، سنن ابن ماجه، تحقيق و تعليق: محمد فؤاد عبد الباقي والأحاديث مزيلة بأحكام الألباني عليها، دار الفكر، بيروت.
٢٠. أحمد بن الحسين بن علي بن موسى أبو بكر البيهقي، سنن البيهقي الكبرى، تحقيق: محمد عبد القادر عطا، مكتبة دار الباز، مكة المكرمة، ١٤١٤هـ.ق.
٢١. علاء الدين علي بن حسام الدين المتقي الهندي، كنز العمال في سنن الأقوال والأفعال، تحقيق: بكري حياني، صفوة السقا، الطبعة الخامسة، مؤسسة الرسالة، ١٤٠١هـ.ق.
٢٢. عبد الرحمن بن أحمد بن رجب الحنبلي، جامع العلوم والحكم، الطبعة الأولى، دار المعرفة، بيروت، ١٤٠٨ق.